نو آوری در اقتصاد مقاومتی

فرزانه طالقانی
دانش آموخته کارشناسی ارشد، گرایش فقه و حقوق

چکیده

نوآوری در اقتصاد مقاومتی زمانی تحقق می‌یابد که آحاد مردم جست و جوگر راه های طی نشده باشند و جرأت و جسارت درنوردیدن عرصه‌های نو و بکر را داشته باشند. سابقه تاریخی نشان می‌دهد که ما واجد چنین جامعه و مردمانی هستیم.

اقتصادی که در آن سیر صعودی پیشرفت حاکم باشد، هر روز از طرف تک تک اعضای خود شاهد خلاقیت و نوآوری است.

چنین جامعه‌ای ظرفیت این را دارد که در همه حوزه‌های علمی و عملی، الگوهایی جدید از مدیریت، پیشرفت و شکوفایی اقتصادی را ارائه کند.

با همه این ها، نوآوری دارای آفت هایی چون سطحی نگری و شتاب زدگی در امور و یا ممکن است این نوآوری بر زمینه ارزش‌ها و اعتقادات جامعه استوار نشود.

راه رهایی از این آفت ها، بنا کردن نوآوری بر بستر ارزش‌های دینی و ملی است وچنگ زدن به عقلانیت است.

طرح مسئله

سال جاری از سوی رهبر فرزانه انقلاب به عنوان سال «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل» نامگذاری شده است. انتخاب چنین عنوانی برای سال ۱۳۹۵ نشان از عمق آگاهی و اوج تسلط رهبر معظم انقلاب بر شرایط امروز جامعه و نظام دارد. همچنین این نام گذاری در حالی صورت می گیرد که انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در اوج چهارمین دهه از عمر پربار و پربرکت خویش است.

انتخاب عنوان «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل» در ایران را باید نشانه‌ای از احساس نیاز به اندیشه‌ها، رویکردها و حرکت‌های پویا و نوآورانه دانست.

بحث نوآوری یکی از مهم ترین و پر جاذبه ترین مباحث در دامنه گسترده علوم امروزی است. بدون تردید ارائه تعریفی دقیق از این واژه و تبیین نقش افراد نو آور در اقتصاد مقاومتی و بررسی ویژگی افراد نو آور درنظام اسلامی و طراحی رهیافت های علمی و عملی برای تحقق نوآوری و نگاهی به آفات آن از مهم ترین موضوعاتی است که توجه متفکرین و اندیشمندان توسعه و علوم انسانی را به خود جلب کرده است.

آنچه به عنوان یک پیش فرض مهم و بدون ابهام پذیرفتنی است، آن است که به واسطه ماهیت خاص نوآوری این واژه، بایستی در یک فضای ارزشی مملو از باید ها و نباید ها به تعریف و تبیین وطراحی راه کارهای نوآوری و ریشه یابی آن نشست.

نوآوری، نتیجه خلاقانه گام برداشتن در مسیر حل مساله و عبارت است از ایجاد تحولات موثر در روش ها. رسیدن به کمال و سیر مسیر استکمالی بشر جز با نوآوری و شکوفایی حاصل نمی شود از این رو می بایست با خلاقیت و نوآوری به آرمان های دین مبین اسلام، ائمه علیه السلام، رهبران دینی، امام خمینی (ره) مقام معظم رهبری (حفظه ا...)، شهدا و سیاست های دولت اسلامی جامه عمل پوشاند.

در روزگاری که پیکار فرهنگ و تمدن در دنیای جدید در گرفته است، اقتصادی باقی مانده و به شکوفایی می‌رسد که به دنبال راه‌های نو برای پاسخ به نیازهای آحاد جامعه ی بشری باشد. بی هیچ شبهه، اقتصاد مقاومتی دراسلام به پشتوانه کتابی است که هر روز که می‌گذرد بیش از پیش دریچه‌های تازه‌ای را برای زندگی بشر گشوده، ژرفای حیرت‌انگیزش مشخص می‌شود و بهترین راهنمای انسان خسته‌ی مدرن و درگیر در زندگی ماشینی است.

دین اسلام تا کنون توانسته متناسب با نیازهای انسان‌های هر زمان، راه‌های نو و بدیعی را برای زندگی و نزدیکی هر چه بیشتر به معبود، ارائه نماید و با نگرشی کلان و فارغ از دسته‌بندی‌های آزاردهنده‌ی جوامع انسانی در هر عصر، به تعالی نوع بشر و زندگی انسان‌های خواهان کمال و تعالی کمک نماید و انسان امروز که در هر جای این کره‌ی خاکی زندگی می‌کند نمی‌تواند بدون نوآوری و خلاقیت، ادامه‌ی حیات دهد.

در تعالیم انسان ساز اسلام پیوسته نیروی بالقوه فکر خلاق منشاء پیدایش و حل مسایل جدید بوده است و از پیچیده ترین و عالی ترین اعمال مغزی انسانی تفکر بـه حسـاب آمده است که برابری آن برای مدت یک ساعت با یک عمر طولانی هفتاد ساله برابر یا برتر شمرده شده است. نقش راهبردی تفکر در حیات معقول به مثابه یک کلید مهم در نظر گرفته شده است.

نو آوری در مقوله دین معنایی بسیار دقیق دارد. از یک طرف شناخت زمینـه هـا ی انحرافی و بدعت ها و تعصبات و سنت ها ی قومی و تفکیک آن هـا از فـرهـنـگ واعتقادات اصیل اسلامی، و از طرفی دیگر تحلیلی صحیح از اسلام ناب در همه ابـعـاد زندگی است که این دو در صورتی است که هیچ گونه خلل و وضربه ای بـه اصـول اسلامی وارد نیاورد. به عبارت دیگر می توان این گونه بیان کرد که مبتکر کسی اسـت که روح اسلام را خوب درک کند و با سعه صدر و نگرش والا به تبیین دین بپردازد.

از این رو اندیشمندان بزرگ شیعه بر آن بوده اند که با روشن اندیشی ونگرشی جامع در این مقوله گام های بلندی را بر دارند.

شکوه این گام های عظیم را می توان در لا به لای آثار شاگرد برجسته امام و اسـوه علم وتقوا یعنی استاد مطهری پیدا کرد. همان اندیشمند متفکری که با بـیـنـش ژرف اندیش خود پایه های جدیدی را پی ریخت و در این راه از هیچ کوششی دریغ نورزید و همانند راهبران الهی بر بام تاریخ بشریت همچون خورشیدی برای هدایت انسان ها نور افشانی کرد.

برای مشخص شدن مرزهای نوآوری می توان آن را این گونه تعریف نمود:

اول این که نوآوری متضمن پاسخ یا مفهومی نو باشد یا آنکه احتمال وقوع آن بسـیـار کم باشد. اما باید توجه داشت که نو بودن و اصالت با آنکه شرط لازم خلاقیت است اما کافی نیست.

دوم، نوآوری باید گره‌ای را بگشاید یا با وضعیتی تناسب داشته و یا مقصود معـیـنـی را برآورد.

سوم، نوآوری واقعی مشروط به دوام آن بینش ابتکاری، ارزیابی و تفسیـر و رشـد آن

باشد. در جمله‌ای کوتاه می‌توان اینگونه بیان کرد» خیلی‌ها ایده‌های خوب دارند اما عده کمی آن ها را عملی می‌کنند.»

به طور کلی نو آوری فرایندی است که طی زمان ادامه داشته و ابتکار، انطباق‌پذیری و تحقق از خصوصیات بارز آن به شمار می‌آیند.

امروزه بازار خلاقیت و نوآوری در اقتصاد خیلی گرم است و افراد زیادی پیدا می شوند که ادعای آن را دارند ولی آیا همه آن ها طبق ادعایی که می‌کنند نوآور هستند؟

از کجا بفهمیم چه کسی خلاق است؟ نشانه‌های یک فرد نوآور چیست؟ اگر بخواهیم خلاق باشیم چگونه باید باشیم؟

نخستین گام‌ها برای شناخت نحوه بازیابی نوآوری، شناسایی خصوصیات افراد نوآور و درک چگونگی زندگی آن ها می‌تواند باشد. بدین صورت که با دریافت این شناخت، خواهیم دانست که چه خصوصیات و ویژگی‌هایی را باید در جامعه احیا ساخته و از آن ها مراقبت کنیم تا از این طریق نوآوری در روند احیای مجدد قرار گیرد. با فهم این شاخصه‌ها و مراقبت از آن ها در جریان زندگی روزمره بستر و مقدمات تجلی نوآوری در اقتصاد مقاومتی فراهم خواهد شد.

این پژوهش در قالب سه بخش ارائه شده است. در بخش اول مطالبی پیرامون نقش نو آوری در تغییر بنیادین ساختار اقتصادی جامعه آورده شده است، بخش دوم به تحلیل ویژگی های افراد نو آور به ویژه در اقتصاد مقاومتی پرداخته و بخش سوم نیز آسیب ها و موانع نو آوری را مورد بررسی قرار خواهد داد. در نتیجه این بحث هم به مهم ترین راه کار های ایجاد و افزایش نو آوری اشاره خواهد شد.

نو آوری و نقش آن در تغییر بنیادین ساختار اقتصادی جامعه

نوآوری و خلاقیت در ابعاد مختلف قابل طرح است و در مسائل علمی و اجرایی، دامنه گسترده‌ای دارد. درباره معارف دینی و تبیین معارف دین نیز نوآوری مفهوم دارد. بر مبنای علمای ما نوآوری جایگاه دارد. قرآن و سیره اهل بیت و عقل، مبانی فهم دقیق دین هستند. در واقع استفاده از آیات و روایات و متون اصیل دینی به اقتضای زمان و کشف نیازهای زمان ملاکی اصلی است که باید آمیخته با نوآوری باشد.

از نظر قرآن نواندیشی و نوآوری در اندیشه برای اصلاح گذشته یک اصل مسلم و ضروری است زیرا قرآن تقلید از باورهای باطل و کهنه پدران را بسیار نکوهش کرده و آن ها را به خردورزی دعوت می کند. قرآن انسان ها را به نو اندیشی در مسیر هدایت دعوت کرده تا هم خردهای آنان را بیدار نماید و هم راه های تازه ای را فراروی انسآن ها بگشاید و آن ها را به هدایت برساند. به همین دلیل، دعوت به فکر، علم، عقل، تدبر، حکمت، نور و امثال آن در آیات زیادی مورد تأکید قرار گرفته است و انسان های هدایت یافته را مردگانی که زنده شده اند دانسته و برای آنان نور هدایت گر قرار داده است.

«...يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ...»؛ (بقره، آیه ۲۵۷) ماندن در ظلمات و جهل و نداشتن نواندیشی و پویایی در عرصه فکر و اندیشه، باعث محرومیت از هدایت و نکوهش پروردگار است.

در قران کریم آمده است:

«و چون به آنان گفته شود به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سو ی پیامبرش بیایید، می گویند آنچه پدران خود را بر آن یافته ایم، ما را بس است. آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی دانستند و هدایت نیافته بودند؟» (مائده، آیه ۱۰۴)

بنابراین، نواندیشی و پویایی فکری جوهره تفکر دینی است وتأثیر نپذیرفتن از شرایط حق، کفر است.

«در حقیقت، کسانی را که کفر ورزیده اند چه بیمشان بدهی و چه بیمشان ندهی برایشان یکسان است و ایمان نخواهند آورد.» (بقره، آیه ۶) اگر کسانی هشدار پیامبران را که رساترین و مؤثرترین هشدارهاست، نشنوند به دلیل این است که حس بویایی در آن ها مرده است و دیگر هیچ امیدی به خیر و تکامل آن ها نیست.

قرآن به دانش، پژوهش، تولید علم و فهم عمیق و استنباط، ارزش فوق العاده داده و جامعه مؤمنین را مکلف نموده است تا پیوسته نیاز علمی و فکری خود را با تفقه در دین تحصیل نمایند.

«شایسته نیست مؤمنان همگی کوچ کنند، پس چرا از هر فرقه ای از آنان دسته ای

کوچ نمی کنند تا دسته ای بمانند ودردین آگاهی پیدا کنند.» (توبه، آیه ۱۲۲)
دعوت به فهم عمیق و ژرف از دین در اسلام مورد تأکید است و آنان که نمی دانند باید از آنان که می دانند بپرسند و سؤال کردن یک ارزش است:« ...فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ».(نحل، آیه ۴۳)

در سوره نساء آیه ۸۳ در صورت عدم توان بر حل مسأله، دستور داده مسائل خود را نزد کسانی ببرید که از توانایی استنباط (پویایی و توانایی فکری و علمی) برخوردارند.
همچنین، دعوت به فکر، نقد، اندیشه و خرد ورزی در قرآن، دعوت به نوآوری و پویایی فکری و شکوفایی ذهنی و علمی و کشف و فهم و ادراک مجهولات و معلوم نمودن نادانسته هاست.

قرآن مصادیق متعددی از نوآوری را برای شناساندن و آموزش دادن آن به مسلمانان ذکر نموده است.

در پرتو همین آموزه های قرآنی بود که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و ائمه علیهم السلام و مسلمانان در موارد متعدد با ابتکار عمل و خلاقیت خود، به نوآوری های بزرگی اقدام نموده و تمدن بزرگ اسلامی را شکل دادند. از جمله، حفر خندق در جنگ احزاب، تشکیل شورای مشورتی در جنگ احد و بسیاری از احکامی که توسط معصومین علیهم السلام بیان شده، نوآوری های اثر بخش و کارآمدی بود که باعث رونق و توسعه اسلام گردید. همچنان که اصل انقلاب اسلامی توسط پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در فضای سنگین جاهلیت، نوآوری و همه معارفی را که این پیامبر امی و درس ناخوانده برای بشر آورده، در جهت شکوفایی استعدادها و توسعه مادی و معنوی زندگی انسان ها بوده است.

انقلاب اسلامی مردم ایران نیز برگرفته از همین الگو و نوآوری در یک نظام مردم سالار دینی و در نظم موجود حاکم برجهان امروز، هم در کلیات و هم در جزئیات خود، هم در راهبردها و هم در تاکتیک ها و در همه شوون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود بوده است. آثار این نوآوری ها را در عرصه های گوناگون بخصوص دفاع مقدس شاهد بوده و هستیم و توفیقات نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در برابر

توطئه های سنگین دشمنان، در پرتو خود باوری و نوآوریهای برگرفته از آموزه های دینی و قرآنی بوده است.

روشن است، که نوآوری در اقتصاد مقاومتی هم برای فرد و هم برای جامعه معنادار بوده و در جهت مثبت و برای بهبود وضعیت موجود است و هرگز به معنی نادیده گرفتن اصول و مبانی و ترک سنت ها و خروج از چارچوب شریعت و احکام الهی نیست؛ بلکه همان تو سعه خردورزی و پویایی درکسب علم و بینش نو و میدان دادن به روح جستجوگری و کشف و راسخ شدن در علم و فقه عمیق می باشد.

مشابه آنچه در آیات قرآن مشاهده شد، در روایات و البته با تفصیل و تبیین به مراتب افزون تر در مورد نوآوری، خلاقیت و شکوفایی، عوامل مؤثر بر آن، شاخص ها، الزام ها و بایدها و نبایدهای آن، مطالب فراوانی آمده است.

حال به چند روایت در این زمینه اشاره می نماییم:

۱. علی علیه السلام: عقل غریزه ای است که با علم و تجربه رشد می کند.(نهج البلاغه، حکمت ۱۵۳)

۲. پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم: همه خو بی هارابا عقل می توان به دست آورد. (مجلسی، بحار الانوار، ج، ۴۳)

۳. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: انسان با عقلش انسان است. (حکیمی، الحیاة، ج۴۳)

۴. علی علیه السلام: فکر آینه ای بدون زنگار است. (همان، جلد ۴۸)

۵. علی علیه السلام: کسی که چشم اندیشه اش را بیدار بدارد، به نهایت و آخر مطلوبش خواهد رسید. (نهج البلاغه، حکمت ۱۵۴)

۶. علی علیه السلام: ای کمیل، هیچ حرکتی نیست مگر آنکه تو در آن محتاج شناخت هستی.(مجلسی، بحار الانوار، ج۱، ۳۵)

۷. امام صادق علیه السلام: کسی که در آموخته های خویش بیشتر اندیشه کند، علم خود را استوارتر کرده و نکته هایی را در می یابد که دست نایافتنی است. (محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج۱۰، ص۴۷۱۲)

۸. امام علی علیه السلام: اهل بینش کسی است که بشنود و بیندیشد و ببیند و با بینش در آن درنگ و از خدادها پند گیرد و بهره مند شودوخود را از پرتگاه ها نگاه دارد. (نهج البلاغه، حکمت۱۵۳)

۹. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: اگر دو روز کسی برابر باشد ملعون است، اگر فردای کسی بهتر از امروزش باشد مقبول است. اگر کسی در پی تدارک کاستی در عمل خود نباشد، کاستی در عقلش خواهد بود و اگر کسی در عمل و عقل کاستی داشته باشد عدمش از وجودش بهتر است. (خرمشاهی، پیام پیامبر، ص۸۴۴۴)

علمای اسلام نیزدر زمان‌های مختلف، همیشه خلاقیت و نوآوری را در عرصه اقتصادی دارا بودند که نمونه‌های آن در تاریخ بسیار است. فرهیختگان دینی به اقتضائات زمانه از متن دین و روایات اهل بیت علیهم السلام که مفسّران واقعی قرآن و دین هستند، مطالبی را بیان کردند که در گذشته از نگاه عالمان مخفی مانده است.

نوآوری در جامعه‌ای تحقق می‌یابد که آحاد آن جست‌وجوگر راه‌های طی نشده باشند و جرأت و جسارت درنوردیدن عرصه‌های نو و بکر را داشته باشند. سابقه تاریخی نشان می‌دهد که ما واجد چنین جامعه و مردمانی هستیم.

بحث نوآوری و خلاقیت بحثی فراگیر است و در تمام علوم به ویژه مباحث اقتصادی در بُعد اجرا و اندیشه، معنا و مفهوم دارد.

جامعه‌ای که در آن سیر صعودی پیشرفت حاکم باشد، هر روز از طرف تک تک اعضای خود شاهد خلاقیت و نوآوری است. در این جامعه، نوآوری به قشر متفکر و اندیشمند محدود نگردیده و همه مردم را شامل می‌شود به طوری که حتی تبهکاران نیز در این جامعه هر روز به فکر خلق روشی نو در روندِ کاری خود می‌باشند.

چنین جامعه‌ای ظرفیت این را دارد که در همه حوزه‌های علمی و عملی، نوآورانه و خلاق، حرف‌ها و ایده‌هایی نو برای کل دنیا داشته باشد و الگوهایی جدید از مدیریت، پیشرفت و شکوفایی اقتصادی را ارائه کند.

با پیشرفت روز افزون دانش و فناوری وجریان گسترده اطلاعات، امروزه جامعه ما نیازمند آموزش مهارت هایی است که با کمک آن بتواند همگام با توسعه علم و فناوری

به پیش برود. هدف باید پرورش انسان هایی باشد که بتوانند با مغزی خلاق با مشکلات روبرو شده و به‌حل آن ها بپردازند. به‌گونه ای که‌انسان ها بتوانند به خوبی با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و با بهره‌گیری از دانش جمعی و تولید افکار نو مشکلات اقتصادی را از میان بردارند. امروزه مردم ما نیازمند آموزش خلاقیت هستندکه با خلق افکار نو به سوی اقتصاد مقاومتی قدم بردارند.

رشد فزاینده اطلاعات، سبب شده است که هر انسانی از تجربه و علم و دانشی برخوردار باشد که دیگری فرصت کسب آن ها را نداشته‌باشد، لذا به جریان انداختن اطلاعات حاوی علم و دانش و تجربه در بین‌انسآن ها یکی‌از رموز موفقیت اقتصادی در دنیای امروز است. هیچ‌کس‌قادر نیست به میزان اطلاعات واقعی هر کس‌که در گوشه ذهن او نهفته است پی‌ببرد. این اطلاعات زمانی به حرکت درمی‌آید که انگیزه‌ای قوی سبب رها شدن آن به‌بیرون ذهن شود. در این‌مرحله انسان ها به سرنوشت یکدیگر حساسند و در جهت رشد یکدیگر می‌کوشند و در نهایت سبب می‌شود جریانی از علم و دانش و تجربیات میان آن ها جاری شود که همین امر زمینه‌ساز نوآوری و خلاقیت خواهد بود.

خلاقیت و نوآوری در اقتصاد مقاوتی موجب خواهدشد که:

استعداد ها رشد کرده وبه سوی خود شکوفایی سوق داده شوند.

موفقیت های فردی، شغلی و اجتماعی افزایش پیدا کنند.

تولید کنندگان در نظام اسلامی علاوه بر افزایش کمی و کیفی در محصولات خود به رقابت سالم نیز بپردازند و هر چه بیشتردرکاهش هزینه ها بکوشند و از ضایعات واتلاف منابع جلو گیری نمایند.

انگیزش کاری در میان افرادافزایش می یابد.

سطح بهداشت روانی و رضایت شغلی افراد ارتقا می یابد.

بهره وری افزایش پیدا کرده و موفقیت مجموعه افراد ، اعم از مدیریت وکارکنان تضمین می گردد.

رشد و بالندگی در نظام اسلامی موجب تحریک و تشویق حس رقابت در میان افراد می گردد.

بوروکراسی اداری کاهش پیدا کرده و کلیه افراد به عمل گرایی تشویق می شوند.
اولین انگیزه ای که در اقتصاد اسلامی به وظایف افراد نو آور جهت وهدف می دهد این است که این اشخاص هر چه به مسئولیت خود بیشتر اهمیت بدهند و در خدمت به خلق خدا بیشتر بکوشند، به همان نسبت فرمان خدا را بهتر اجرا کرده و در تحقق اقتصاد مقاومتی موفق تر خواهند بود. به یقین پاداش دنیوی و اخروی چنین افرادی نزد خداوند محفوظ می باشد.
بنا بر این در اقتصاد مقاومتی افراد نوآور نقش تعیین کننده ای دارند و همین نقش است که به کار آن ها قداست می بخشد.
اصلی ترین شاخصه این انقلاب بزرگ تلاش آن به منظور احیای حضور دوباره دین در عرصه ی فرایندهای اقتصادی است. از سوی دیگر اقتصاد اسلامی برای تحقق آرمآن های خود و دست یابی به اقتصاد جهانی و تشکیل تمدن عظیم اسلامی نیاز به ساز و کارهای هماهنگ و مناسب با مبانی اعتقادی خود جهت ایجاد اقتصاد مقاومتی دارد.
به بیان دیگر نیازمند طراحی و ارائه الگوهای مختلف برای اداره ی بخش ها و امور مختلف جامعه در راستای نیل به تمدن جدید است. از این رو، اقتصاد مقاومتی در ذات خود حرکتی نو و خلاقانه در احیای ارزش های راستین انسانی و اسلامی محسوب می شود و به همین دلیل، در بطن خود با نوآوری و پویایی قرین است. بدون نوآوری و حرکت مداوم، اقتصاد مقاومتی نقش پیشرو و سازنده خود را از دست می دهد و در نتیجه با قرار گرفتن در جمود و سکون به تدریج به وادی فراموشی سپرده خواهد شد. با توجه به آنچه گفته شد نمی توان انقلابی بود و دغدغه نظام و انقلاب داشت و از سوی دیگر با جمود و سکون همداستان بود. به عبارت بهتر، انقلابی بودن مستلزم نوآوری و ابتکار است.
از سوی دیگر چند سالی است که جامعه ما همگام با سایرجوامع، زندگی وحضور در قرن بیست و یکم را تجربه می کند. قرن حاضر بیش از هرچیز منسوب به فن آوری، دانش و خلاقیت است. به عبارت دیگر در جهان پیش رو آنچه بیش از همه سرنوشت جوامع و ملتها را رقم می زند توان رقابت ایشان در عرصه های گوناگون علم و تکنولوژی

است. برای موفقیت در این رقابت و تداوم حیات با عزت در چنین جهانی نیازمند ارج نهادن به ابتکار، خلاقیت و نوآوری در تمام زمینه ها خصوصا مسائل اقتصادی هستیم.
جهان هر روز در حال تجربه دستاوردهای جدیدی از قدرت خلاقه بشری است و از این رو به شدت و سرعت در حال نو شدن مداوم است. تردید و کوتاهی در همراهی با این پدیده جهان شمول فرصت های بسیاری را از جامعه ما دریغ خواهد ساخت.
با توجه به شرایط فوق الذکر است که رهبر معظم انقلاب در سال جاری بر اهتمام به اقتصاد مقاومتی تاکید نموده اند. تاکیدات مقام معظم رهبری در ایجاد جنبش نرم افزاری از یک سو و اوامر ایشان در خصوص اهتمام به اقدام وعمل در عرصه های اقتصادی از سوی دیگر را می توان در تعاملی دو سویه با یکدیگر و در جهت نیل به اهداف عالیه نظام اسلامی در نظر گرفت. آنچه از فرمایشات رهبر معظم انقلاب در این خصوص استنباط می شود، لزوم اهتمام به اقتصاد مقاومتی به عنوان یک رهیافت بنیادین و اصولی است، که کلیه ساحت های اندیشه و عمل در ابعاد و سطوح گوناگون فردی و اجتماعی را در بر می گیرد.
هدف اصلی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران حرکت به سمت ایجاد تمدن بزرگ اسلامی و احیای آرمان ها و ارزش های راستین این دین مبین بوده است. در راستای چنین هدف تعالی بخش و بزرگی، ایجاد زمینه های لازم برای باروری افکار به منظور ترویج و تعمیق خلاقیت و نوآوری جزو الزامات اولیه به شمار می رود. در این راه بزرگ و سرنوشت ساز باید با سرلوحه قراردادن نوآوری در اقتصاد مقاومتی، تمامی دستاوردهای بشری را نیز به خدمت گرفت.

ویژگی افراد نوآور دراقتصادمقاومتی

منظور از نوآوری خلاقیت متجلی شده و به مرحله عمل رسیده است، به عبارت دیگر، نوآوری یعنی اندیشه خلاق تحقق یافته؛ در اقتصاد مقاومتی، نوآوری همانا ارائه محصول، فرایند وخدمات جدید به بازار است؛ نوآوری به کارگیری توانایی های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید است.
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:«خداوند سبحان در هر صد سال یک

نفر را برای این امت برمی‌گزیند تا دینش را تجدید نماید.»(مجلسی، بحار الانوار، ج۱، ۳۵)

این بدان معنا است که نوآوری یک سنت واجب الهی و اسلامی بوده که می‌کوشد دین را از حصار زمان و مکان خارج ساخته و آن را پویا و به روز نماید.

نوآوری در حقیقت یکی از صفات ویژه خداوند است

در قران کریم آمده است:«**إِنَّ رَبَّکَ هُوَ الْخَلاَّقُ الْعَلیمُ**» (حجر، آیه ۸۶)

خلاق یکی از اسامی خداوند است و به معانی زیر می باشد

بسیار خلق‌کننده (شبر، تفسیر القران الکریم، ج، ۱ص۲۶۶) آفریننده اخلاق و خلق (کاشفی سبزواری، مواهب علیه، ج، ۱ص۵۷۱) آفریدگارو ایجاد کننده خلق و اعمال آن ها (نخجوانی، الفواتح الالهیه والمفاتح الغیبیه، ج۱، ص۴۱۸)

سنت پروردگار در این است که بدون پویایی و تغییر و نوآوری به دست انسآن ها، سرنوشت دنیا و آخرت آن ها دگرگون نخواهد شد. و این انسان ها هستند که با ایجاد تغییر در درون جان خود و در جامعه و پیرامون خود، امداد و عنایت های الهی را برای خود جلب می نمایند.

در اینجا به برخی از ضروریات نوآوری در اقتصاد مقاومتی اشاره می کنیم.

الف: ایمان و اعتقاد به ضرورت تحقق نوآوری: یکی از عوامل مهم در این خصوص، اعتقاد به ضرورت نوآوری و شکوفایی خلاقیت هاست چرا که اگر ضرورت نیاز به این مهم از یک باور اساسی نشأت نگیرد، شاهد کمترین حرکتی در این جهت نخواهیم بود. در این صورت فعالیت های اقتصادی در هر سطحی که وجود دارد، امری کافی تلقی می گردد و در نتیجه انگیزه ای برای اقدام در جهت نوآوری وجود نخواهد داشت، به همین دلیل است که ما باید اول به این نیاز برسیم و به این باور دست پیدا کنیم که تغییرعملکرد در اقتصاد اسلامی، امری ضروری و لازم است.

ب: آزادی در بیان آراء و اندیشه ها: آنچه مسلم است آن است که خیزش عمومی در راستای نوآوری در اقتصاد مقاومتی ممکن و شدنی است. اگر یک حرکت عمومی و مشارکت جمعی از سوی اهل نظر، پشتوانه این مهم نباشد، تحقق چنین مطلوبی مشکل

و بلکه ممتنع خواهد بود. اگر در زمینه های مختلف اقتصادی از اصحاب علم و اندیشه، مشارکتی در تحقیقات و ارایه نتایج و نظرات دیده نشود، شاهد ارتقای علمی و نوآوری های عالمانه نخواهیم بود، از این رو تضارب آراء در تحقق اقتصاد مقاومتی، امری لازم است اما لازم تر از آن، ایجاد فرصت مناسب برای بیان نظریات و اندیشه های تولیدی است. وجود آزادی های مطلوب در این راستا و استقبال از نظریات و نوآوری های علمی در اقتصاد یکی از علل مهم تحقق شعار اقتصاد مقاومتی است.

ج: استقبال از نقد اندیشه و تقویت قوه انتقادپذیری نخبگان اقتصادی، یکی دیگر از ویژگی های لازم برای نوآوری است و هر چند در پیمودن طریق علم، اتکا به قواعد منطقی و عقلانی و نیز اصول موضوعه در هر حوزه علمی، مورد تأکید است، اما در عین حال تقویت روحیه انتقادپذیری و تحمل نظر مخالف امری مقبول و بلکه لازم است. مهم آن است که، در طرح یک نظریه، راه نقد و انتقاد نسبت به معنا و محتوای آن باز باشد و صاحب نظریه از انتقادهای موجه و مستدل در جهت تکامل و ارتقای کیفی نظریه خویش استقبال کند.

د: از جمله شرایط کیفی در عملیاتی کردن این مهم، مشارکت عمومی نخبگان در عرصه نوآوری است. از این روی لازم است همه نخبگان اقتصادی به میدان آمده و هر کس در رشته تخصصی و مورد تحقیق خویش به تحقیق و تولید اندیشه پردازد.

علاوه بر این، افراد خلاق دارای یک سری ویژگی هایی هستند که آن ها را می توان با درجات متفاوت در تمام افراد جامعه پیدا کرد. خلاقیت در اثر رخوت و کم کاری راکد می گردد، ولی هیچ گاه از بین نمی رود، بنابراین باید سعی شود این ویژگی ها پرورش داده شوند تا خلاقیت دچار رکود نگردد.

۱- سلامت فکر و روان

افراد خلاق، سلامت روانی لازم را دارند. این افراد قادرند فکر، اندیشه و حرفهای تازه را پشت سر هم مطرح کنند، بدون اینکه دچار رکود گردند.

بهره مندی از ذهنی سالم، باز و گشوده، این امکان را برای قوه خلاقه فراهم می کند تا از آنچه می خواهد، تصویر روشنی بیافریند. و سرانجام، عملی منشأ موفقیت و پیروزی

است که در ورای آن اندیشه ای سالم نهفته باشد. همان گونه که ورزش عضلات را قوی تر و سالم تر می کند، تفکر، مطالعه کتابهای خوب و مفید و نگارش تجارب، افکار و منش ها نیز باعث تقویت و سالم تر شدن روان و ذهن می گردد و در نهایت موجب باروری و شکوفایی خلاقیت می گردند.

۲- انعطاف پذیری

یعنی توانایی کنار گذاشتن چارچوب های ذهنی بسته و خشک، توانایی دیدن اندیشه های جدید و بررسی افکار نو و پذیرش مناسب ترین و کارآمد ترین آن ها. با دو سؤال از خود می توانیم به میزان انعطاف پذیری مان در حوزه اقتصاد پی ببریم:

الف) چه مقدار به اشتباهات و قصور خود در مقابل دیگران اعتراف می کنیم؟

ب) چه مقدار در مقابل آنچه نمی دانیم اعتراف کرده و کلمه «نمی دانم»را بر زبان جاری می کنیم؟ تکرار در اعتراف به موقع به اشتباهات و اقرار صادقانه به آنچه نمی دانیم، باعث می شود این خصوصیت خوب به یک رفتار طبیعی و عادت مقبول تبدیل گردد. و این توانایی را بدهد تا چارچوب های ذهنی باطل را فرو بریزد.

هر اندازه خلاقیت و نوآوری بیشتر باشد، به همان اندازه انعطاف پذیری بیشتر شده و وقت کمتری به حراست و دفاع از افکار غلط گذشته صرف خواهد شد. مطالعه سیره انبیا و اولیا علیهم السلام و دانشمندان و نوابغ بزرگ جهان اسلام نشان می دهد چقدر اهل تفکر و اندیشه بودند و چگونه در مقابل افکار منحط و متحجرانه با صبر و تحمل و شکیبایی گوش فرا می دادند و سپس با منطقی که هر انسان اندیشمند و صادقی را قانع می کرد.

۳-ابتکار

یعنی به پشتوانه اندیشه سالم، در هر زمان بتوان پیشنهاد تازه ای را یافته و ارائه داد. ارائه پیشنهاد جدید نوعی از خلاقیت و نوآوری است. انسان های خلاق چشمه جوشانی از پیشنهادهای سازنده و مفید هستند.

۴- ترجیح دادن پیچیدگی نسبت به سادگی

افراد بدون خلاقیت که تمایلی به بروز چنین امری ازخود نشان نمی دهند، هرگز سراغ سختی ها نمی روند و همواره در جستجوی راه های بی دغدغه و آسان هستند، به طوری که معمولاً راه های پیموده شده را انتخاب می کنند و علاقه ای به خطر کردن و پذیرش وظایف سنگین ندارند. این افراد خواهان سایبان امنیتی ساخته شده به دست دیگران هستند، در حالی که افراد خلاق و مبتکر همواره در تلاش و تکاپو بوده وبه هر کور سوئی رضایت نمی دهند و در جستجوی منشأ نور می باشند.

بنابراین، پیچیدگی ها را انتخاب کرده و به دنبال یافتن راه حلی ساده برای آن ها هستند.

۵- استقلال رأی و داوری

افراد خلاق بر خلاف افرادی که تمایلی به خلاقیت ندارند، انسان هایی پیرو و دنباله رو نبوده و به دنبال تکیه گاهی درعالم بیرون نیستند تا به آن چنگ بزنند، بلکه این افراد صاحب فکر، اندیشه، سبک و روشی خاص هستند. آن ها با توجه به اعتقاد به روح عظیم انسانی و معرفت نفس، با دیدگاهی فراتر از مادیات با تکیه به خداوند و خزاین علوم نهان در روح انسان که خداوند به ودیعه گذاشته است، با جستجو، تفکر و مطالعه به ایده هایی می رسند که می تواند جهان را متحول سازد.

۶- تمرکز نیروی ذهنی

افراد خلاق همیشه و در هر شرایطی ذهن و نیروی خود را بریک موضوع ویژه متمرکز می کنند و به دنبال دست یابی به هدفی والا و بلند مرتبه هستند و با این عمل بر قله رستگاری و موفقیت تکیه می زنند. اما انسان هایی که از خلاقیت کمتر برخوردارند، اهداف و مسؤولیت های متعددی را بر می گزیند و در هیچ زمینه ای به طور کامل توفیق حاصل نمی کنند. پراکنده کاری حاصل ذهنی پراکنده و غیر متمرکز است که مانع تمرکز ایده هاست، هرچند بررسی سوابق انسان های بزرگ و نوابغ نشان می دهد در بین آنان افرادی شلوغ و غیر منظم هم وجود دارند، ولی به نظر نمی رسد این امر به معنای پراکندگی ذهنی آن ها باشد و شاید اهمیت دادن فوق العاده به امور بزرگ تر سبب بی توجهی آنان به اموری چون نظم دادن اطراف خود باشد.

با اندکی تفکر، مثال هایی ازمدیران و مسؤولان در محیط اطراف خود می یابیم که با قبول چندین مسؤولیت و عدم توانایی در تمرکز روی یک نقطه مدیر موفقی نبوده اند و یا بالعکس. باید بدانیم، دست یابی به اهداف همواره در فضای ذهنی روشن و متمرکز و با ایستادگی و پشتکار میسر می گردد.

۷- نظم در کار ها

علاقه مندی زیاد به نظم و ترتیب در کارها از خصوصیات افراد خلاق است.

امام رضا (علیه السلام)در این باره می فرمایند:

بکوشید اوقات خود را به چهار بخش تقسیم کنید.

بخشی از آن را برای ارتباط و راز و نیاز با خدا قرار دهید.

بخش دیگر را برای گذران زندگی تنظیم نمایید.

وقتی را برای معاشرت با دوستان مورد اعتمادی که عیب شما را گوشزد میکنند و در باطن با شما اخلاص دارند قرار دهید.

و بخش دیگر رابرای بهره گیری از لذت های مشروع قرار دهید، تا با استفاده از این اوقات قادر به تلاش در زمان های دیگرتان باشید. (ابن بابویه، ، عیون اخبار الرضا، ج۲، ص۲۰۵)

آسیب ها و موانع نوآوری

نوآوری دارای آفت هایی است که باید از آن ها حذر کرد:

اول؛ امکان ایجاد بدعت به نام نوآوری است و آن هنگامی رخ می‌دهد که نوآوری بر زمینه ارزش‌ها و اعتقادات جامعه استوار نشود و نیز گرفتار شدن نوآوری در احساسات، توهم و شعارزدگی یکی دیگر از آفت ها می باشد.

راه رهایی از این آفت ها، بنا کردن نوآوری بر بستر ارزش‌های دینی و ملی است وچنگ زدن به عقلانیت است.

عقلانیت و تکیه زدن بر خرد جمعی، مانع غلطیدن ما به دامن احساسات و توهمات می‌شود و عقلانیت یعنی سنجیده عمل کردن، محاسبه دقیق داشتن و درک واقع‌بینانه موقعیت خود در جهان امروز و شناخت و فهم دقیق فرصت‌ها و تهدیدها.

یکی دیگر از آسیب هایی که می تواند تحقق نوآوری را متزلزل کند سطحی نـگـری و شتاب زدگی است.

اتکا به مطالب سطحی و تکراری دیگران که صورت کلیشه ای به خود گرفته قطعاً نمـی تواند ره آورد نوینی در اقتصاد مقاومتی باشد. البته این بدین معنا نیست که نظریه هـای گفته شده را باید به دور انداخت و نسبت به آن ها توجه و اهتمام نداشت بلکه مـراد آن است که این نظریات، آخر علم و پژوهش قلمداد نگردد. بدیهی است در پاره ای از موارد، بیان نظریات دیگران به منظور استفاده و یا نقد و بررسی، امری مطلوب و معقول است و نیز گاهی ذکر نظریه ای از آن جهت که صاحب آن نظریه از موقعیت عـلـمـی والایـی برخوردار است، به منظور بهره برداری استنادی از آن، مورد توجه قرار می گیرد و مسلـم است چنین اموری غیر از سطحی نگری و عدم نوآوری اقتصادی است. آنچه مانع تحقق این شعار است اتکاء مطلق بر آورده های دیگران است به گونه ای که راه پژوهش بـرای دیگران مسدود گردد والبته این خطر بزرگی است.

از آنجا که به عنوان یک سنت تاریخی هر جا که شاهد به عرصه آمدن نوعی نوآوری و خلاقیت بوده ایم، در برابر آن مخالفت های غیر منطقی و جزم اندیشانه نیز وجود داشتـه است، یکی از مهم ترین آفات نوآوری نیز آفت دیرینه ای به نام «تـحـجـر» و«جـزم اندیشی» است. تاریخ کلی تمدن بشری به طور عام و دین مبین اسلام و نهضت بـزرگ انقلاب اسلامی به طور خاص همواره آماج آسیبها و تهدیدات فراوانی از جانب این آفـت خرد ستیز و اندیشه سوز بوده است، و به همین دلیل نیز در طول تـاریـخ، بسـیـاری از اندیشمندان مسلمان رسالت خویش را مبارزه مستمر با این آفت تمدن برانداز قـرار داده اند.

برای مقابله با این مانع جدی بر سر راه نوآوری باید در ابتدا به تعـریـفـی صـحـیـح از «تحجر »دست یافت و بدینوسیله با ابعاد گوناگون ماهیت آن آشنا شد و سپس بر مبنای این شناخت به مبارزه با آن پرداخت.

در تقابل مستقیم با ماهیت و تعریف«نوآوری»و«تحجر» را می توان به معنی ایستائی، جمود، سختی‌نشان دادن و مقاومت در برابر هر نوع تحول و امر تازه در حوزه اقـتـصـاد

تعریف و تبیین نمود. تحجر کم‌وبیش در اَشکال و قالب‌های گوناگون شکل می گیرد. تعصب‌های جاهلانه، تعلقات قبیله‌ای و ملی، عدم درک حقایق و سنت‌های حاکم بر حرکت جوامع، از عوامل شکل‌گیری و پایداری تحجرند، ولی مهم‌ترین عامل تحجر در حوزه اقتصاد، عدم تفکیک بین اصول و پایه‌های ثابت و ضروری زندگی بشر با جنبه‌های متغیر و متحول آن است.

تحجر در مقابل عقلانیت و نقادی است و به ایستادن در یک جا و پافشاری بدون دلیل یا با وجود ضعف دلیل بر یک عقیده یا فعل، بستن دریچه ی ذهن و فکر به روی سخن مخالف یا بی اعتنایی و جدی نگرفتن آن اطلاق می شود. و اگر کسی میزان پایبندی و دلبستگی خود به یک عقیده را متناسب با قوت بینه ها و شواهد تأیید کننده ی آن عقیده نسازد و نتواند برای مدعای خود دلیل درخور ارائه دهد و یا به میزانی در بند و تابع شخصیت ها، ایدئولوژی، راهی باشد که قدرت نقادی و عقلانیت را از او سلب کرده باشد، دچار تحجر شده است.

تحجر مقاومت ذهنی و عملی افراد در مقابل افکار مخالف بدون بررسی و تحلیل دقیق آن هاست. در تحجر افکار مخالف حتی مجال ورود به ذهن انسان را پیدا نمی کنند و این در حالی است که انسان برای رای و اندیشه خود تقدسی ویژه قائل شود و هر فکر مخالف و ناهمسان با آن را پلیدی می داند.

پایداری و ثبات در عقیده و رای چنانچه بدرستی آن ایمان داشته باشیم امری پسندیده و ممدوح است، اما آنچه که سبب تحجر می گردد بی نیاز دانستن خود از تحولات زمانه است. اینجاست که ذهن متحجر در مقابل هر نوع اندیشه نوین در حوزه اقتصادی مقاومت کرده و صاحبان چنین اندیشه هایی را از دین خارج می داند. این نوع تفکر در نقطه مقابل اقتصادپویای اسلامی در فقه شیعه که امام راحل(ره) از جمله احیاگران عمده آن بودند، به شمار می رود.

رهبر فرزانه انقلاب در بیان اصولی که امام (ره) بر آن اصرار می‌ورزید، «شکستن حصار تحجر و التقاط در فهم و عمل اسلامی و التزام به اسلام ناب»را مطرح می کنند و می‌گویند: «از نظر امام (ره) در بیان و عمل ایشان، هم تحجر مردود بود و هم التقاط،

که به معنی رها کردن قیود صحیح برای فهم دین و اسلام است.» (مطهری ، مجموعه آثار، جلد بیستم، ص ۴۸۵)

امام اول شیعیان در مجموعه گفتارهای گرانبهای خویش در نهج البلاغه به بررسی مختصات «تحجر » پرداخته اند که می تواند برای همه ما حاوی نکات هدایتگر و درس آموزی باشد.

از جمله مولفه های تحجر در نهج البلاغه عبارتند از: نداشتن درک و فهم درست از واقعیت و نپذیرفتن حقیقت، سر باز زدن از دلیل و برهان طرف مقابل بدون این که خود تکیه آگاه قابل قبولی داشته باشد؛ افراط در سخت گیری و ایجاد جو وحشت و ترس، (نهج البلاغه، خطبه های ۳۶، ۱۲۷ و ۱۷۷)؛ بهره نگرفتن از خرد در بررسی ها، تحلیل ها و تصمیم ها (نهج البلاغه، خطبه های ۳۶ و ۱۳۷)؛ داوری سطحی و کلیشه ای، مطلق گرایی و شکل گرایی (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷)؛ عدم تحمل مخالفان، ستیزندگی و انتقاد ناپذیری (نهج البلاغه، خطبه ۳۵)؛ گذشته گرایی و مخالفت با اصلاحات و نوآوری ؛ و...در میان متفکران مسلمان معاصر نیز پس از امام راحل، شهید بزرگوار مرتضی مطهری را باید به عنوان یکی از پیشتازان مبارزه با جمود و تحجر معرفی کرد. ایشان درباره اهمیت نفی جمود و تحجر می گویند:«حیات و مرگ یک جامعه به حیات و مرگ فکر آن جامعه بسته است. اگر فکر یک جامعه مرد، یعنی فکر نداشت و یا فکرش کج و انحرافی و غلط بود، آن جامعه مرده است و اگر فکر جامعه زنده بود، آن جامعه زنده است؛ این است که افراد خواهان حیات یک جامعه، باید به احیا و نفخ صور و حشر فکری بپردازند.. »(مطهری، سلسله یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۱، ص ۱۵۹)

او پیشتاز مبارزه با تحجر و خود یکی از نمونه های برجسته نوآوری در اندیشه و خرد در میان متفکرین معاصر اسلامی بود. البته ایشان همواره اندیشمندان را از آفات و خطرات نوآوری افراطی نیز بر حذر داشته اند: «جهل و جمود هر دو برای تفکر اصیل اسلامی خطر سازند، یکی بر کهنه‌پرستی و دیگری بر نوپرستی مبتنی است و هر دو، تناقض علم و دین را ترویج می‌نمایند. »(مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۷) از دیدگاه آن شهید بزرگوار: «اسلام هم با جمود مخالف است و هم با جهالت، خطری که متوجه

اسلام است هم از ناحیه این دسته است و هم از ناحیه آن دسته. جمود جامدها به جاهل‌ها میدان تاخت و تاز می‌دهد و جهالت جاهل‌ها، جامدها را در عقاید خشکشان متصلب‌تر می‌کند. »(همان، مجموعه آثار، جلد ۱۹، ص ۱۱۲)

استاد شهید با تاکید بر نقش عقل در افزایش قوه تحلیل انسان، اعتقاد به عنصر اجتهاد در فقه مترقی شیعه را ازجمله نشانه های اهتمام به عقل و خردورزی و از جمله عوامل رشد و ترقی جامعه اسلامی می داند. (همان، جلد ۲۱، ص ۱۵۸ و ۱۶۴)

ایشان تفکیک بین بینش‌ها و روش‌ها، شیوه‌ها و اهداف را از جمله عوامل رهایی از تحجر سنتی و مدرن می‌داند. (همان، جلد ۱۹، ص ۱۱۸-۱۲۰) ایشان علة العلل تحجر را عقل‌گریزی و مطلق اندیشی و جزم‌گرایی می‌داند و علةالعلل رهایی از تحجر را نیز عقلانیت دینی و عقل‌گرایی مثبت و متعادل و متناظر به همه وجوه اسلام ذکر می کنند:«باید با پیشرفت زمان، پیشروی کرد و با فساد و انحراف زمان هم باید مبارزه کرد. مصلح و مرتجع هر دو علیه زمان قیام می‌کنند، با این تفاوت که مصلح علیه انحراف زمان و مرتجع علیه پیشرفت زمان قیام می‌کند.»(همان، ص ۱۰۴)

یکی دیگر از جلوه های جزم اندیشی و تحجر، فهم ناصواب از سنت و مخالفت با هر نوع نوآوری به بهانه دفاع از این تلقی نادرست از سنت است. لغت نامه دهخدا، کلمه سنت را به معنای راه و روش، و نیز با تکیه بر اصطلاح فقهی آن، گفتار، کردار و تقریر معصوم علیه السلام دانسته که ضد بدعت است. (معین، دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۸، ص۱۲۱۴۶) بدعت در فقه نیز، هر عقیده و عمل تازه ای است که به قصد تعبد و تشریع، در دین افزوده می شود. (نراقی، عوائد الایام، ص ۱۹)

برخی نویسندگان معاصر با خلط لوازم سنت وبدعت، و تعمیم ویژگی گذشته گرا و نوستیز سنت نتیجه می گیرند که اسلام مخالف تجدد و نوگرایی است. این نویسندگان در اثبات مدعای خود به روایتی از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم استناد می کنند که از امام باقر علیه السلام نقل شده و می فرماید:

«ان احسن الحدیث کتاب الله، و خیرالهدی هدی محمد، و شر الامور محدثاتها، و کل محدثه البدعه و کل البدعه الضلاله و کل الضلاله الی النار». (فیرحی، قدرت،

دانش و مشروعیت در اسلام، ص۳۸)
به راستی نیکوترین سخن کتاب خداست و بهترین هدایت راه پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم است، و بدترین امور جدیدترین آن هاست. و هر جدیدی بدعت است و هر بدعتی گمراهی، و هر گمراهی سرانجام به آتش می رسد.
نویسندگان فوق- چه آنان که اصحاب تجدد اروپایی هستند و یا مخالفین آن- با استناد به بخشی از حدیث نبوی، به این حکم می رسندکه اندیشه اسلامی، به طورکلی با تاکید بر (شر الامور محدثاتها) هرگونه نوآوری (ابداعی) را نوعی بد دینی (بدعت) به شمار می آورند. اما چنانکه صدر کلام پیامبرصلی الله علیه وآله و سلم و نیز مجامع فقهی نشان می دهد، نص حدیث مذکور هرگونه نوآوری را رد نمی کند، بلکه صرفا آن دسته از امور را در نظر دارد که به قصد تعبد بوده و یا به رغم فقدان دلیل از شارع، امری شرعی تلقی شود.
ملا احمد فاضل نراقی، اندیشمند دوره قاجاری، در تمایز بین نوآوری و بدعت، یا به تعبیر خود او، ابداع و ابتداع، می نویسد:« ملاک بدعت، تشریع و ادخال در دین؛ شرعی بودن یک شیئ، و توصیه آن به فرد دیگر به عنوان حکمی از احکام شرع است. بنابراین بدعت فعلی است که شخصی غیر از شارع آنرا صبغه شرعی داده و بدون هیچ گونه دلیل شرعی به دیگران تجویز می کند. این امر مصداق بدعت بوده و قطعا حرام است... اما اموری که بدون اعتقاد و قصد مشروع بودن آن ها انجام می شود، هر چند که از جانب شرع ثابت و توصیه نشده باشند، از مصادیق بدعت نبوده، و تبعا، تحریم نشده اند.»(نراقی، عوائد الایام، ص ۲۱)
نراقی با استناد به استدلال شیخ صدوق در «من لایحضره الفقیه»، هر امر جدیدی را بر دو گونه تقسیم می کند؛ فعلی که بدعت است و آنچه که از جانب شرع ثابت و توصیه نشده است. او قسم نخست را به دلیل اعتقاد بی جهت بر شرعی بودن آن، حرام می داند، اما قسم دوم که بدون قصد شرعی انجام می شود هرگز حرام نبوده ولی از آن جهت که فاقد دلیل شرعی است، ثواب و اجر معنوی ندارد. (همان، ص ۲۳)
به هر حال، تفصیل فوق درباره بدعت از آن رو است که بر تغایر دو مفهوم فقهی و

معاصر «سنت »تاکید شود. (فیرحی، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، تهران، ص۳۹)

مخالفان نوآوری با تاکید بر مفهوم فقهی سنت به مقابله با هر نوع شیوه و دیدگاه جدید برخاسته و با نیت مقابله با بدعت، راه را بر نوآوری در عرصه های اقتصادی در دنیای معاصر مسدود می سازند؛ در حالیکه اگر سنت را به معنای نوعی روش شناسی و مجموعه ای از خرد جمعی متعلق به گذشتگان- که بالطبع فضل تقدم ایشان دلیل بر تقدم فضلشان نخواهد بود. مراد کنیم، آنگاه نه تنها نوآوری در اقتصاد امری ناپسند نخواهد بود بلکه خود لازمه تداوم حیات اقتصادی و پویایی آن در دوران های مختلف است.

به هر تقدیر، اگر به ایجاد و گسترش اقتصاد مقاومتی به عنوان یک ضرورت در جهت رشد و اعتلای نظام اسلامی می اندیشیم و اگر در دل سودای تبعیت از فرامین رهبری در این خصوص را داریم، چاره ای جز ایجاد زمینه های لازم برای رشد خلاقیت فردی و جمعی در اقتصاد و در میان اقشار و آحاد گوناگون آن بخصوص نخبگان و صاحب نظران نداریم و برای ایجاد چنین زمینه ای نیز باید با تمام توان در جهت رفع موانع گوناگون بر سر راه آن، بخصوص موانع عظیم اقتصادی نظیر جمود فکری و تحجر، جهد و تلاش فکری و عملی نماییم.

خط مقدم جبهه خلاقیت پروری و مبارزه با تحجر را از یک سو عالمان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه و از سوی دیگر برنامه ریزان و مدیران اقتصادی و تقنینی کشور تشکیل می دهند. تنها با همیاری و همکاری مستمر و تعامل منطقی این دو گروه است که می توان به رشد و پویایی هر چه بیشتر اقتصاد مقاومتی در آینده امید داشت.

بنا بر این اگر نوآوری مطلوب ماست و اگر از اصحاب اندیشه و فکر، ایده های نو و خلاقانه طلب می‌کنیم، باید در مواجهه با خطاهایی که نوآوری احیانا به‌همراه خواهد داشت، سعه صدر و تحمل داشته‌باشیم. پذیرش خطاهای احتمالی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، لازمه اقتصاد مقاومتی خلاق است.

نتیجه بحث

مزین کردن هر سال به یک عنوان و ایده محوری، سنت حسنه‌ای است که ابتدای هر سال توسط مقام معظم رهبری صورت می‌گیرد و باید عمیق‌تر از آنچه تاکنون بوده، بدان پرداخته شود

عنوان هر سال، دغدغه اصلی آن سال و محوری‌ترین و اصلی‌ترین نقطه تمرکز در مدیریت کشور را مشخص و ضرورت‌ها و اولویت‌های آتی کشور را تعیین می‌کند. این نامگذاری اما زمانی درست درک خواهد شد که در متن کلیت اندیشه‌ها و دغدغه های مقام معظم رهبری قرار گیرد و جایگاه مفهوم و ایده در منظومه فکری ایشان معین شده و رابطه آن با سایر مؤلفه‌ها کشف شود.

اگر از این منظر به مفاهیم و ایده‌های مقام معظم رهبری در نامگذاری سال‌ها توجه کنیم، آشکار می‌شود که دغدغه محوری ایشان در وضعیت کنونی، توسعه، پیشرفت و شکوفایی کشور است. در واقع ایشان پیگیری جدی دارند که همه جهت‌گیری‌های کلان کشور، پس از گذشت چهار دهه پربرکت از عمر نظام جمهوری اسلامی به سوی دست یابی به سطحی از توسعه باشد که کشور با اتکا به آن قادر باشد جایگاهی مستحکم و باثبات را در سطح منطقه و جهان به دست آورد و به‌عنوان الگو، الهام بخش سایر کشورها، به‌ویژه کشورهای اسلامی باشد.

و البته ایشان با اتکا به مفاهیم عمیق دینی و آرمان‌های انقلاب و امام راحل و همچنین ژرف نگری که در بنیان‌های قوام‌بخش جامعه دارند بر این نکته تأکید و پافشاری دارند که این توسعه باید بر بستر هویت دینی، ملی و ارزش‌های ایرانی.

تنها زمانی استعدادها به نوآوری و نوآوری به شکوفایی منجر می‌شود که نخبگان اقتصادی، مدیران و نوآوران در فضایی به دور از برخوردهای دستوری و در سایه امنیت اقتصادی بتوانند دیدگاه‌های خود را مطرح کنند.

هرچند نوآوری در اقتصاد خواست ما از کل جامعه است و مسئولیت ترویج نوآوری را متوجه مسئولان می‌دانیم، اما در این نوآوری، همه نیازمند نخبگان و فرهیختگان و متخصصان جامعه هستیم. لذا توجه اساسی به وضعیت نخبگان در جهات مختلف امری

حیاتی است.

جدای از دغدغه نوآوری، برای ایجاد اقتصاد مقاومتی درکشور، این نگرانی و دغدغه اساسی وجود دارد که مبادا نخبگان اقتصادی و صاحبان اندیشه و متخصصان ما احساس بی‌تاثیری کنند و به حاشیه رانده شوند و عزلت و کناره گیری را برگزینند.

منابع

*قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی

۱- ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین، بی تا، ***عیون اخبار الرضا***، تصحیح مهدی حسینی لاجوردی، بی جا، انتشارات جهان.

۲- جعفری، محمد تقی، ۱۳۸۰، ***ترجمه نهج البلاغه***، مشهد، آستان قدس رضوی.

۳- جفری بام، گارتن، ۱۳۸۴، **ده گام به سوی تقویت خلاقیت**، حمید میرزا آقایی، بیجا، بینا.

۴- حکیمی، محمد رضا، محمد و علی، ۱۳۷۱، ***الحیاة***، احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۵- حسینی، سید حمید، پاییز ۱۳۷۸، **مقاله:** ***نوآوری در سازمان ها: مفهوم، انواع و فرایندها***، مجله علمی پژوهشی اقتصاد و مدیریت، شماره ۴۲.

۶- خرمشاهی، بهاء الدین، ۱۳۷۶، ***پیام پیامبر***، تهران ، جامی.

۷- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، ***لغت نامه دهخدا***، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران.

۸- رابینز، استیفن، ۱۳۶۹، ***مبانی رفتار سازمانی***، دکتر قاسم کبیری، تهران، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.

۹- شبر، سید عبدالله، ۱۴۰۷، ***تفسیر القران الکریم***، قاهره، النجاة.

۱۰- شهرآرای، مهرناز - مدنی پور، رضا، تابستان ۱۳۷۵، مقاله: ***سازمان خلاق و نوآورمجله دانش مدیریت***، شماره ۳۳ و ۳۴.

۱۱- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۷، ***تفسیر جوامع الجامع***، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و حوزه علمیه قم.
۱۲- فیرحی، داود، ۱۳۷۴، قدرت، ***دانش و مشروعیت در اسلام***، تهران، نشر نی.
۱۳- فرنودیان، فرج الله، سال ششم، مقاله: ***محتوای درسی و پژوهش خلاقیت دانش آموزان***، مجله رشد تکنولوژی آموزشی، شماره های ۵، ۶ و ۷.
۱۴- کاشفی سبزواری، حسین بن علی، ۱۳۲۹، ***مواهب علیه***، تهران، اقبال.
۱۵- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، ***بحار الانوار***، بیروت، دار الاحیاءالتراث العربی.
۱۶- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۳، ***میزان الحکمه***، حمید رضا شیخی، قم، دارالحدیث.
۱۷- مصطفوی، حسن، ۱۳۸۰، ***تفسیر روشن***، تهران، مرکز نشر کتاب.
۱۸- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸، ***مجموعه آثار***، تهران، صدرا.
۱۹- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸، ***سلسله یادداشت‌های استاد مطهری***، تهران، صدرا.
۲۰- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۱، ***نظام حقوق زن در اسلام***، تهران، صدرا.
۲۱- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۶، ***اسلام و مقتضیات زمان***، تهران، صدرا.
۲۲- موسوی همدانی سید محمد باقر، ۱۳۷۴، ***ترجمه تفسیر المیزان***، قم ، دفتر انتشارات اسلامی‌جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳- نجفی خمینی محمد جواد، ۱۳۹۸ هـ‌ق، ***تفسیر آسان***، تهران، انتشارات اسلامیه.
۲۴- نخجوانی، نعمت الله بن محمود، ۱۹۹۹ (م)، ***الفواتح الالهیه والمفاتح الغیبیه***، مصر، دار رکابی للنشر.
۲۵- نراقی، ملا احمد، ۱۳۷۸، ***عوائد الایام***، تهران، نشر نی.